

نقش مدارس موقوفه در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی (مدارس اصفهان و یزد در ایران و مدارس نظامیه و مستنصریه در عراق)

مصطفی فقیه اسفندیاری

عضو هیات علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

یکی از مسایل مهم تاریخ تمدن اسلامی پرداختن به امر پژوهش و فراهم کردن امکانات تحصیل برای دانشمندان و دانش پژوهان بوده است. این امکان، بیشتر از طریق درآمد حاصله از موقوفات مدارس و اماکن آموزشی ایجاد می شده است. اوقاف، بهترین و مهمترین منبع درآمد برای تعلیم و تربیت در جوامع اسلامی بوده و استمرار آموزش و فعالیت علمی در دولت های اسلامی طی قرن های متمادی به این منبع مالی بستگی داشته است. موضوع وقف، از همان آغاز ظهور اسلام وجود داشته و پیشوایان دین به وقف اموال خود جهت این گونه امور همت گماشته اند. نگاهی گذرا به وقف نامه ها، گویای این حقیقت است که مدارس، موسسات فرهنگی-آموزشی بسیاری از سنت پسندیده وقف به یادگار مانده است. واقفان برای بالابردن سطح فرهنگی جامعه به تاسیس مدارس توجه می کردند. بیشتر مدارس قدیم و برخی از مدارس جدید، با درآمد موقوفات اداره می شدند.

پژوهش حاضر، ضمن بررسی دو مکان آموزشی مهم در جهان اسلام (مدارس اصفهان و یزد در ایران و مدارس نظامیه و مستنصریه در عراق)، به اهمیت نقش وقف و واقفان در ایجاد مدارس اسلامی اشاره دارد.
کلید واژگان: تمدن اسلامی، وقف، مدارس ایران و عراق، اصفهان و یزد، نظامیه و مستنصریه.

مقدمه

در بررسی شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی، مساله جالبی که به چشم می‌خورد، تجلی روحیه انفاق، ایثار و نیکوکاری در قالب سنت وقف بوده است.

یکی از سرزمین‌هایی که مدارس بسیاری در آن وجود دارد و نقش تعیین کننده‌ای در طول تاریخ، به ویژه تاریخ تمدن اسلامی دارند، ایران است. حمایت از دانشمندان و جویندگان علم و برپایی مراکز بزرگ علمی مانند دارالعلم‌ها، بیت الحکمه‌ها، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها، در سایه وقف، شرایطی را ایجاد کرد تا واقفان و افراد نیکوکار با ایجاد مراکز همگانی دانش، نیازهای پژوهشگران مسلمان را فراهم کنند تا آنها با فراغ بال به تحقیق و پژوهش پرداخته و با سفر به اقصی نقاط عالم اسلام به دست‌آوردهای عظیم علمی نایل شوند.

نکته مهم در بحث مدارس اسلامی، نحوه شکل‌گیری، چگونگی فعالیت و تامین هزینه‌های آنها به ویژه از راه وقف بوده است.

مدارس ایران و عراق از جمله مدارس مهم اسلامی هستند که در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی فعالیت داشتند. اگرچه هدف نهایی وقف، انجام امور خیریه بوده است، اما افراد بسیاری بوده‌اند که خارج از اهداف خیریه، از درآمدهای حاصل از موقوفات استفاده می‌کردند سابقه شکل-گیری مدرسه به عنوان بخش مهمی از تاریخ نهاد آموزش در تمدن اسلامی به اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری بازمی‌گردد. فاصله زمانی سده پنجم تا هفتم هجری دوره درخشان تمدن اسلامی در زمینه تاسیس مدارس و مراکز آموزشی در جهان اسلام است. این نهضت بی‌سابقه فرهنگی در عراق با تاسیس مدرسه نظامیه بغداد در سال (۴۵۹هـ.ق) آغاز شد و با تاسیس مدرسه بزرگ مستنصریه بغداد در سال (۶۳۱هـ.ق) به اوج رسید. به عبارت بهتر، اوج شکوفایی اماکن آموزشی و مدارس اسلامی به ویژه در ایران و عراق از قرن پنجم هجری، آغاز و تا قرن نهم هجری ادامه یافت.

در این پژوهش سعی شده است به بررسی ماهیت و چیستی وقف، نقش وقف در تمدن اسلامی، چگونگی تاثیر سنت وقف، واقفان و تعلیم و تعلم آنان در مدارس پرداخته شود و تا حد امکان، به پاره‌ای از مدارس ایران و عراق (به صورت موردی) که در اداره امور آنها از درآمد موقوفات استفاده می‌شده اشاره شود.

ماهیت و چیستی وقف

امامی در تعریف وقف آورده است: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. منظور از حبس نمودن عین مال، نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال و همچنین از تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد، زیرا مقصود از وقف، انتفاع همیشگی موقوف علیهم از مال موقوفه است، بدین جهت هم آن را وقف گفته‌اند، چون معنی کلمه وقف در فارسی، ایستادن و نگهداشتن است. منظور از تسبیل منافع، واگذاری منافع در راه خداوند و امور خیریه اجتماعی می‌باشد.» (امامی، ۱۳۷۸، ج ۱، باب دوم، فصل دوم در وقف: ۶۸-۶۹) با این وجود در قرآن مجید، آیه‌ای که بر وقف و احکام فقهی آن دلالت داشته باشد وجود ندارد، هرچند می‌توان از آیات مربوط به «احسان و انفاق»، «صدقه»، «قرض الحسنه» و «تعاون» بر جواز و استحباب وقف استدلال کرد. (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۵۲) وقف کردن یعنی: ۱- منحصر کردن چیزی را به کسی یا چیزی، مخصوص کردن. ۲- زمین یا ملکی را در راه خدا حبس کردن. (معین، ۱۳۷۱، ج ۴: ۵۰۴۷-۵۰۴۸) و بنا به فتوای امام خمینی (ره) عین مال را حبس کنند؛ یعنی فروش و انتقال آن به غیر را ممنوع سازند و منافعش را بطور رایگان در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار دهند. اما واقع مطلب آن است که وقف، جزء حقیقت شرایع الهی نبوده و مولود آگاهی و استغنا پیروان آن است: «برای وقف، حقیقت شرعیه‌ای نیست، بلکه یک امر عقلایی است که میان پیروان تمام ادیان و شاید نزد غیر پیروان ادیان نیز موسوم باشد.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۹۹) بنابراین بیره نخواهد بود اگر میزان پیشرفت و عقب ماندگی تمدن‌ها و به ویژه تمدن اسلامی را با این فرهنگ، مرتبط بدانیم و عوارض و احکام وارد بر وقف را بر تمدن اسلامی نیز تعمیم دهیم.

وقف و تمدن اسلامی

سلیمی فر در کتاب «نگاهی به وقف و آثار اقتصادی- اجتماعی آن» می‌نویسد: «وقف در بدو زایش و رشد، نابودی فقر مادی و ظاهری و برخورداری عموم شهروندان جامعه از امکانات رفاهی را مدنظر داشت اما با بارور شدن تمدن اسلامی، مجال بیشتری برای بروز یافته و نابودی فقر معنوی و پنهان را هدف قرار می‌دهد. نگاهی به تاریخ، ما را برای درک بیشتر مطلب کمک می‌کند: از دوره پیامبر (ص) و خلفای راشدین، گزارش‌هایی از وقف وجود دارد اما در عصر امویان، به وضوح حضور جدی وقف در تاسیس مراکز علمی، کتابخانه‌ها و معابد و تامین زندگی طلاب علم و مدرسان مشاهده می‌شود به طوری که وقف از انحصار طبقه فقرا خارج می‌شود. در زمان حکومت

عباسیان، این روند با شدت و قوت بیشتری ادامه می‌یابد، زیرا در عصر عباسیان که اوج شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی بود، وقف نیز گسترش بیشتری داشت، به طوری که از کتب تاریخی و سفرنامه‌های این عصر برمی‌آید، در اغلب شهرها و روستاهای ملل اسلامی، موقوفاتی وجود داشت که از آن جمله اوقاف بغداد، دمشق، مصر و ایران از اهمیت بیشتری برخوردار بودند». (سلیمی-فر، ۱۳۷۰: ۷۰) مواردی که وقف بر آنها صورت گرفته می‌توان به این صورت برشمرد:

مساجد، مدارس، کتابخانه‌های عمومی، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، آب انبارها، قنات، پادگان-های نظامی و جنگی، تهیه سلاح و ادوات جنگی برای مجاهدین، تجهیز سربازان و مبارزان، تعمیر پل‌ها و معابر عمومی، ایتم، معلولین، درماندگان و بیچارگان، تهیه بذره‌های زراعی برای کشاورزان و غیره. بنابراین با ظهور تمدن اسلامی در زمینه‌های مختلف، وقف نیز در عرصه‌های گوناگون، مجال تجلی پیدا می‌کند که البته بررسی دقیق میزان این همبستگی، خود احتیاج به تحقیقات گسترده‌تری دارد. (همان: ۱۴۵-۱۴۷) وقف، ضامن مصونیت تمدن اسلامی از آفات و مصیبت‌ها است چنان که در برهه‌هایی از تاریخ بشری، با فراهم کردن بستری مناسب جهت رشد و بالندگی فرهنگ از تخریب آن جلوگیری به عمل آورده است:

۱. جلوگیری از تصرف املاک و غارت اسباب و ملزومات اولیه جامعه اسلامی به وسیله

حکام جور. (راوندی، ۱۳۸۲، ب ۲، ج ۴: ۸۵۳)

۲. استقلال سیستم وقت از قوای حاکم و عدم توجه به منویات آن. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸:

۷۴)

۳. ترغیب قدرتمندان و سلاطین در اقدام به وقف و توجه بسیار به متولیان آن. (سلیمی-

فر، ۱۳۷۰: ۸۰)

بررسی برخی از مدارس ایران و عراق که در اداره امور آنها از درآمد موقوفات استفاده می‌شده

است:

مدارس موقوفه در ایران

در اواخر قرن سوم هجری قمری، به تدریج مرکزی به عنوان «دارالعلم» از سوی علما و امرا تاسیس شد. تفاوت عمده آنها با کتابخانه‌ها در این بود که نه تنها برای امر تعلیم، بلکه برای اقامت دانشجویانی که از شهرهای دور، راهی مرکزی علمی می‌شدند خدمات رفاهی و اقامتگاهی در نظر می‌گرفتند. (متز، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۰۶) به نظر می‌رسد از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری

بود که مکان‌هایی به نام مدرسه ساخته شد و در همین دوره است که احداث مدرسه‌ای را در آمل به ناصرکبیر (م ۳۰۴ هـ.ق) نسبت داده اند. (اولیاءالله، ۱۳۴۸: ۱۱۰)

در قرن چهارم هجری، چندین مدرسه در قلمرو حکومت غزنویان و نواحی دیگر ساخته شد که امروزه، اثری از ساختمان هیچ یک باقی نمانده است. (سلطان زاده، ۱۳۶۴: ۹۹-۱۰۷) اگرچه در اثر حمله مغول، بسیاری از این مدارس ویران شد اما با متمدن شدن مغولان و به همت وزیران ایرانی، رونق این‌گونه مدارس از سر گرفته شد به طوری که در بیشتر شهرهای مهم از نیشابور و ری گرفته تا بغداد، مدرسی به نام نظامیه دایر شد. در عصر صفویه در ایران، تعداد مدارس در شهرهای یزد و اصفهان بیشتر از دیگر شهرها روبه فزونی گذاشت. مطالعه کتابچه موقوفات یزد به خوبی دامنه وسیع موقوفات را در دوران بعد از اسلام در این شهر نشان می‌دهد. مساجد، مشاهد و مدارس یزد دارای موقوفات گوناگونی بود که کمابیش عواید آن به مصرف می‌رسید. (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۷۷) نحوه اداره مدارس از لحاظ مالی بسته به نظر موسس آن و همچنین وجود موقوفاتی داشت که برای تعمیر، خرید و استنساخ کتب، هزینه زندگی طلاب و غیره در نظر گرفته شده بود. معمولاً نحوه عزل و نصب کارکنان مدرسه و پرداخت حق‌الزحمه یا کمک هزینه تحصیلی در وقف نامه‌ها قید شده بود که این‌گونه امور در اختیار متولیان وقف بود. (ضمیری، ۱۳۷۳: ۱۰۳) در دوران سلجوقیان و بخصوص در دوران سلطنت آلب‌ارسلان و ملک‌شاه، که خواجه نظام‌الملک وزارت آنها را برعهده داشت، موقوفات زیادی به ویژه در زمینه احداث مدارس «نظامیه‌ها» وجود داشت، به طوری که جمع موقوفات این مدارس به شصت هزار دینار می‌رسید. (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۷۷)

از مدارس نظامیه ساخته شده توسط خواجه نظام‌الملک طوسی که از نخستین مدرسه‌های بزرگ و سازمان یافته به شمار می‌رود، آثاری باقی نمانده است، در حالی که هنوز ساختمان مدرسه مستنصریه بغداد (قرن هفتم هجری قمری) باقی است. به احتمال قوی، به هنگام ساخت بنای مذکور، مدرسه نظامیه بغداد نیز آباد بوده است، اما با توجه به پیشینه مدارس نظامیه و ویژگی‌های معماری آنها، قاعدتاً باید مدرسه مستنصریه را با الهام از خصوصیات معماری مدرسه نظامیه ساخته باشند. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۵۴)

مدارس اصفهان

اصفهان، یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است که در دوره اسلامی بخصوص از عهد ملک‌شاه سلجوقی، با انتخاب آن به عنوان پایتخت، از اهمیت و رونق بیشتری برخوردار شد. این شهر از نظر فرهنگی و تمدنی نیز مرکزیت خاص داشت. قزوینی در اوایل قرن هفتم هجری درباره اصفهان می‌نویسد: «دانشمندان و فقیهان و ادیبان و شاعران و منجمان و طبیبان که اکنون در اصفهان‌اند یا در اصفهان بوده‌اند از مشاهیر جهان‌اند». (ایمانیه، بی‌تا: ۷۰) اما از قرن هفتم تا نیمه قرن هشتم، این شهر مانند قبل نبود و ضعف و پریشانی بر آن چیره شد. قبل از هجوم مغول‌ها به ایران، به دلیل درگیری‌های فرقه‌ای و سیاسی، که میان فرقه‌های شافعی و حنفی در زمینه مذهبی و میان آل‌خجند و آل‌صاعد در اصفهان به وجود آمده بود، کشتار و ویرانی زیادی به بارآمد و این شهر را به ویرانی سوق داد و در این بین، مدارس بسیاری خراب شدند و کتابخانه‌ها سوختند. این اوضاع آشفته سبب شد تا مغولان به راحتی بر شهر مسلط شده و با استفاده از این وضع، دست به قتل و غارت بزنند. اصفهان در سال (۶۳۵هـ.ق) به دست مغولان افتاد و این شهر به آتش کشیده شد و مدارس آن نیز نابود گردید و همه دانشمندان کشته شدند. (همان: ۷۱) منابع، خبر قابل توجهی از رونق مجدد اصفهان از این پس نیز در اختیار نمی‌گذارند بدین ترتیب اصفهان در عهد مغول از رونق افتاد.

گزارش حمدالله مستوفی در اواسط قرن هشتم از وجود مدرسی در اصفهان و روستاهای آن نیز بیشتر ناظر به همین زمان است. (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۱: ۴۹ و ۵۱) بنابراین اخباری که حاکی از وجود مدارس در این شهر می‌باشد، بسیار محدود است و روی هم‌رفته تنها از دو مدرسه در اواخر عصر ایلخانی اطلاع در دست است. (ایمانیه، بی‌تا: ۷۱)

از جمله مدارس این دوره: ۱. مدرسه باباقاسم (امامیه): بانی این مدرسه، سلیمان بن ابی‌الحسن طالوت دامغانی بوده که آن را برای استاد خویش باباقاسم اصفهانی در سال (۷۲۵هـ.ق) ساخته است. باباقاسم تا زمان مرگ خویش در آن به تدریس مشغول بود و پس از وفاتش، آرامگاه او را نزدیک همین مدرسه ساختند به همین دلیل این مدرسه را امامیه نیز می‌نامند. (هنرفر، ۱۳۵۰: ۳۰۳؛ ایمانیه، بی‌تا: ۷۱-۷۲)

۲. مدرسه رکن‌الدین یزدی (مدرسه عصمتیه): رکن‌الدین یزدی از بزرگان علمای یزد در اوایل قرن هشتم هجری و معاصر با دوره آخرین ایلخانان مغول بوده است. در وقفنامه‌ای که از وی برجای مانده، به مدرسه‌ای اشاره شده که دارای قسمتهای مختلفی چون دارالحديث، دارالکتب

و دارالادویه از جمله مکان‌هایی است که رکن الدین یزدی بنا نموده که در شهر اصفهان و در محله بازار قرار داشته است. همچنین در این وقفنامه از تعیین متولی و فراش، نام برده شده و نیز از وقف بازار آهنگران و حمام‌های متصل به بازار و همه دکان‌های متصل به دارالحديث، دکان‌ها و خانه‌های جدید، سخن به میان آمده است. (انتظام‌الحسینی، ۱۳۶۵: ۳۹۶ و ۴۰؛ ایمانی، بی تا: ۲۶۲-۲۶۳)

در وقفنامه جامع‌الخیرات دو مورد از موقوفات واقف در شهر اصفهان در خصوص داروخانه را ذکر کرده یعنی مدرسه‌ای که بر سه بقعه و ساختمان است: اول، دارالحديث یعنی محل حدیث. دوم، کتابخانه و سوم، داروخانه که تمام آنها در داخل شهر اصفهان در محلی از بازار به نام بازار «خواجه محمود» قرار دارد. واقف برای مدرسه‌ای که مشتمل بر سه بقعه است. دارالحديث، داروخانه و کتابخانه که آن را در داخل شهر اصفهان در محله بازار که به «برنا» معروف است و در فضای مدرسه عصمتیه وقف نمود. تمام بازار تازه‌ای که در دو طرف مدرسه است و هرطرف آن مشتمل بر دکان‌های بزرگ متصل به هم و دکان‌های دیگر است و در برابر مدرسه واقع شده و در همان محله است و آن را وقف بر مدرسه مذکور نموده. (انتظام‌الحسینی، ۱۳۶۵: ۱۰ و ۹۸)

مدارس یزد

یزد از اواخر دوران سلجوقیان تحت تصرف اتابکان درآمد و سلاطین این سلسله، حکومت موروثی تشکیل داده و سال‌های زیادی در این شهر به حکمرانی پرداختند. اتابکان یزد در موقع حمله مغول با قبول سیادت آنان توانستند حکومت خود را حفظ کنند. بیشتر اتابکان، اقدام به ایجاد مدارس و جلب دانشمندان و طالبان علم می‌کردند و این اقدام را از مهمترین افتخارات خود می‌دانستند. در زمان حکومت اتابکان و آل مظفر، مدارس و مراکز علمی بسیاری در یزد ساخته شده که از مهمترین پایگاه‌های فرهنگی ایران به شمار می‌روند. شخصیت‌های بزرگ دیگری مانند سیدرکن‌الدین یزدی و پسرش شمس‌الدین هم دستاوردهای غنی فرهنگی از خود به یادگار گذاشتند. رکن‌الدین، از بزرگترین معلمین عصر بود و شاه نعمت‌الله‌ولی (عارف و شاعر بزرگ)، در اوایل جوانی نزد او مشغول به تحصیل بود.

بسیاری از بناهای عام‌المنفعه در قرن هشتم هجری در یزد ساخته شده است. گسترده‌ترین این بناها را سیدرکن‌الدین محمد و پسرش شمس‌الدین محمد ساخته اند. سیدرکن‌الدین محمد، مرد بسیار ثروتمندی بود و نه تنها مقدار زیادی از اموال خود از جمله قنات‌ها، زمین‌ها و املاک در یزد را صرف موقوفات کرد، بلکه به نظر می‌رسد سرمایه قابل توجه خود را صرف خرید اموال جدید

و وقف آنها کرده است. وی و پسرش، ۴۵ موقوفه داشتند که ۲۳ مورد از جمله موارد ذیل توسط سیدرکن الدین محمد ساخته شده بود. سه مدرسه (دو مورد در یزد و یک مورد در اصفهان همراه یک کتابخانه) (مولفی ناشناخته در قرن هفتم، ۱۳۵۵: ۷۳-۷۴) موقوفات شمس الدین شامل: شش مدرسه که به طور مستقل و یا برای اضافه شدن به مدرسه‌های قبلی احداث شده بود (هیچ‌یک از آنها در شهر یزد بنا نشده بود) (همان، ۱۳۵۵: ص ۷۵ به بعد)

اهمیت موقوفات سیدرکن الدین یزدی به امور فرهنگی تا آن حد بود که مهم‌ترین ثروت ناحیه کویری یعنی قنات‌های آب و باغ‌ها را وقف مدارس کرد و این، به غیر از وقف بازارها و کاروانسراها توسط وی بود. از شمس الدین هم بقاع خیری در یزد، ابرقوه، اصفهان، شیراز، کازرون، قم، کاشان، ساوه، ری، همدان، قزوین، سلطانیه و تبریز به جا مانده است. (کاتب یزدی، ۱۳۱: ۱۳۵۷) این فعالیت‌ها تا آنجا توسعه یافت که به علت عظمت مدارس، خانقاه‌ها، مساجد و سایر ابنیه خیریه، وقفنامه‌ای به شکل یک کتاب مفصل تنظیم گردید تا تکلیف بناها و نحوه اداره آنها را روشن سازند. (انتظام الحسینی، ۱۳۶۵: ۸۵) مدارس موقوفه دیگر در یزد عبارتند از:

۱. مدرسه رکنیه: این مدرسه توسط سید رکن الدین یزدی (م ۷۳۲ هـ.ق) بنا شد. که ام البقاع مدارس یزد بود و جزریع رشیدی و رصدخانه مراغه، کمتر مدرسه‌ای را می‌توان شناخت که قابل مقایسه با آن باشد. یکی از موارد قابل توجه راجع به این مدرسه، وجود رصدخانه ای است که در زمره متعلقات و ملحقات آن است. (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۰۲-۱۰۳) در وقف نامه این مدرسه آمده است: «یکی از سه مدرسه واقع در محله باب و ساده نزدیک مدرسه محمودشاهی است که در کنار آن مسجد و رصدخانه معروف قرار دارد و مدرسه مشتمل بر قبه عالی بنا شده و بالای صفحه بزرگی است که وقف کرده تا مدفن اولاد، احفاد و نسلش باشد، مگر وسط قبه که برای مرقد خود استثنا کرده و از جمله کتب مصنفه در فنون مختلف بر آن وقف کرد. به اضافه وقفیات بسیار دیگر از فرش و اثاث و قناتها.» (انتظام الحسینی، ۱۳۶۵: ۱۲-۱۳)

تاریخ بنای مدرسه، رصد، قبه، بیت الادویه، مسجد و خانه متعلق به آن در سال (۷۲۵ هـ.ق) بوده و در کتیبه‌ای که در مدرسه وجود دارد، تمام موقوفات متعلق به آن از جمله باغ‌ها و و روستاها و آب‌ها، ثبت و بر کاشی‌ای تراشیده شده بود. (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۰۳-۱۰۴) سیدرکن الدین وصیت کرده بود که در این مدرسه، برای معلم، سالانه ۳۶۰ دینار رایج و هزارمن غله و برای معید (دستیار مدرس) ۱۲۰ دینار و هزارمن غله، به دربان سالانه ۵۰۰ من غله و به فرآش در صورت تاهل و سکونت در مدرسه ۵۰۰ من غله بدهند. (همان، ۱۳۶۵: ۲۱ و ۲۲ و ۲۴)

۲. مدرسه محمود شاهیه: که در نزدیکی مدرسه رکنیه واقع بوده است. این مدرسه را سلطان قطب الدین (م ۶۲۶ هـ ق) در کنار خانه خود با دومناره ساخته بود. ساخت کامل این مدرسه را همسرش یاقوت ترکان در سال (۶۴۰ هـ ق) به پایان برد. (جعفری، ۱۳۳۸، ۱۰۵ و ۱۱۵)
۳. مدرسه رشیدیه: به دستور خواجه رشیدالدین فضل الله در یزد ساخته شد. ساخت آن در سال (۷۱۵ هـ ق) به پایان رسید و بسیاری از مزارع و اراضی و سهام قنات‌ها و دکان‌ها و باغ‌های بسیاری بر آن وقف کردند. (انتظام الحسینی، ۱۳۶۵: ۱۳۴-۱۳۵)
۴. مدرسه عبدالقادریه: بانی آن عبدالقادر بن محمد بن سدید (اشکذری) از آل تمیم است. او این مدرسه را در سال (۷۳۴ هـ ق) ساخت. این مدرسه تا قرن نهم هجری، آباد بوده چنان که جعفری در سال (۸۴۱ هـ ق) در ذکر باغ‌های یزد، اشاره به راهی می‌کند که به این مدرسه ختم می‌شده است. (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۱۹-۱۲۰)
۵. مدرسه ضیائیه: سنگ اصلی بنای آن را ضیاءالدین حسین بن شرف الدین علی طیب گذاشت اما چون به دیار حق شتافت، ساخت بنای آن را فرزندانش در سال (۷۵۰ هـ ق) به پایان بردند. این مدرسه در قرون هشتم و نهم هجری نیز همچنان فعالیت داشت. (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۱۶-۱۱۷ و ۱۲۶؛ افشار، ۱۳۴۸، ج ۱: ۳۸۷)
۶. مدرسه کمالیه: که خواجه کمال‌الدین ابوالمعالی بن خواجه برهان الدین، وزیر امیرمبارز-الدین بنا کرد. این مدرسه، دارای دو مناره، قبه، خانقاه، بیت الادویه، حمام و خانه‌های عالی است و موقوفات بسیاری بر آن وقف شد و ساخت آن در سال (۷۲۰ هـ ق) به اتمام رسید. (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۱۵)
۷. مدرسه چهارمنار (شمسیه): بانی آن شمس الدین، پسر رکن الدین بود. وی بعد از آنکه با پشتیبانی و حمایت خواجه رشیدالدین، پدر خود را نجات داد، راهی تبریز شده و در همان شهر مقیم گردید و در همان زمان اقدام به بنای چندین ساختمان خیریه در شهرهای مختلف نمود. از جمله بناهای ساخته شده توسط وی، همین مدرسه است که طرح آن را در تبریز ریخت و به یزد فرستاد تا اینکه در سال (۷۳۳ هـ ق) بنای آن اتمام یافت. (عقیلی، ۱۳۳۷: ۸۸ و ۱۳۱؛ جعفری، ۱۳۳۸: ۱۱۰-۱۱۱)
۸. مدرسه حسینیه: این مدرسه توسط امیر شرف‌الدین حسین، پدر امیرمعین‌الدین اشرف در سال (۷۲۶ هـ ق) بنا شد.

۹. مدرسه وردانزور: وردانزور پسر عزالدین لنگر از اتابکان یزد در دوره سلجوقیان بود. او در این شهر، مدرسه ای بنا کرد که تا پس از وفات وی در سال (۶۱۵هـ.ق) و پس از آن یعنی تا قرن نهم هجری هم، پایرجا بوده است. (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۰۹ و ۱۱۵)
۱۰. مدرسه اتابک سام: آن را رکن‌الدین سام از اتابکان عصر سلجوقی در اوایل سال‌های قرن هفتم هجری در خارج از شهر یزد ساخت. (همان، ۱۳۳۸: ۳۹-۴۰ و ۵۰)
۱۱. مدرسه اصیلیه دهوک: این مدرسه را اصیل‌الدین محمدبن مظفر عقیلی در سال (۷۳۷هـ.ق) ساخت. (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۲۸)
۱۲. مدرسه میرآخوریه: آن را محمود بن قاسم امیرآخر (آخر) در عهد مبارزالدین محمد بن مظفر در سال (۷۲۹هـ.ق) ساخت. (همان، ۱۳۳۸: ۱۲۵)
۱۳. مدرسه قاسم طراز: «این مدرسه در داخل شهر یزد است و در چهار طرف آن دکان‌هایی وجود دارد و مسجدی هم مقابل مدرسه قرار دارد. این مدرسه، موقوفات بسیار دارد و ساخت آن در سال (۷۳۷هـ.ق) اتمام یافت. (کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۱۳۸)
۱۴. مدرسه مولانا مجدالدین حسن: این شخص از جمله فضلا و مدرسه او مامن اهل علم بود. وی این مدرسه را در سال (۷۰۵هـ.ق) بنا نمود. (جعفری، ۱۳۳۸: ۱۰۹)
۱۵. مدرسه حافظیه (نوغباد): ظاهرا این مدرسه منسوب به حافظ رازی بوده که از جمله بزرگان بوده است، زیرا هنگام فوت وی، جنازه او را به هرات آورده و در این مدرسه دفن کردند. تاریخ بنای این مدرسه توسط وی سال (۷۱۲هـ.ق) بوده است. (همان: ۱۲۱)
۱۶. مدرسه مظفریه (مبید): در مبید یزد به دستور شرف‌الدین مظفر، پدر امیر مبارزالدین بنا شد. (کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۸۰)

مدارس موقوفه در عراق

سرزمین عراق از جمله بلادی است که به دلیل نزدیکی به منشا خلافت و نیز ترویج دین اسلام، مدارس اسلامی زیادی در آن تاسیس شد. مدرسه نظامیه بغداد، در میان مدارس عراق از همه مشهورتر است. موسس این مدرسه، خواجه نظام الملک، است که آن را در سال (۴۵۷هـ.ق) بنا کرد. وی علاوه بر نظامیه که نخستین مدرسه در بغداد بود، مدارس دیگری را در دیگر بلاد نیز تاسیس کرد. مدرسه مستنصریه، یکی دیگر از مدارس مهم بغداد بود که به فرمان مستنصر بالله، خلیفه عباسی در سال (۶۳۱هـ.ق) بنا شد.

سلطه مغولان بر بغداد در سال (۶۵۶هـ.ق)، دو تاثیر مختلف در مورد مدارس، برجای گذاشت: از یک سو وقفه‌های در فعالیت‌های علمی و تدرسی حاصل شد که اولاً برای مدتی همه آنها را به تعطیلی کشانید و ثانياً در سال‌های بعد، به جز تعدادی از آنها مانند: نظامیه و مستنصریه و بسیاری از مدارس دیگر ادامه حیات نیافتند و لذا تعداد مدارس و همچنین تعداد علما و مدرسان نسبت به قبل کم شد به طوری که فردی مثل ابن خلکان را که مولد او (۶۰۸هـ.ق) در مدرسه‌ای در اردبیل بود، در نواحی شام دیده می‌شود که از ترس مغولان به آنجا فرار کرده و در همان جا در سال (۶۸۱هـ.ق) از دنیا رفت. (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰، ج ۱: ۶۲)

اگرچه هم اکنون تعدادی از این مدارس، فعالیت دارند، اما واضح است که تعداد آنها هیچ‌گاه به اندازه دوره قبل نرسید. این مدارس، بیشتر در زمان‌های قبل از مغول ساخته شده بودند و کمتر مدرسه‌ای را می‌توان یافت که در قرن هفتم هجری بنا شده باشد. در زمینه تعمیرات انجام شده، نقش اصلی را باید از آن نفوذ و حسن توجه افراد کارآمدی مانند خواجه نصیرالدین طوسی، خاندان جوینی و خاندان رشیدی دانست. چند روز پس از فتح بغداد، هولاکوخان با پا در میانی خواجه نصیر و ابن علقمی (وزیر مستعصم خلیفه عباسی) که از در دوستی با مغول‌ها درآمده بودند، فرمان توقف حمله و غارت را صادر کرد و درصدد تسکین اوضاع و ترمیم خرابی‌ها برآمد. از آن جمله شخصی به نام «شهاب‌الدین عبدالله» را رئیس موقوفات کرد و اقدام به نوسازی مجدد مسجد جامع نمود و سپس مدارس و رباط‌ها (کاروانسراها) را بازگشایی کرد و برای فقها و صوفیان، مقرری تعیین نمود. در نتیجه تا حدودی امنیت و آرامش برای از سرگیری امور علمی و آموزشی فراهم گردید. (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۳۳۰)

مدرسه نظامیه بغداد

این مدرسه یکی از میراث‌های خواجه نظام الملک طوسی و از جمله بزرگترین و مشهورترین مدارس تمدن اسلامی بود که در اوایل نیمه دوم قرن پنجم هجری تاسیس شد و برای مدت حدوداً سه قرن دوام آورد. (کسائی، ۱۳۵۸: ۱۱۱، ایمانیه، بی تا: ۵۷) بزرگان بسیاری در این مدرسه درس خوانده و یا تدریس می‌کردند. در اوایل قرن هفتم از جمله شاگردان معروف این مدرسه، شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی بود که در نزد ابوالفرج بن جوزی از مشاهیر علما و نویسندگان، درس می‌خواند. مدرسه در وسط بازاری موسوم به «سوق الثلاثا» قرار داشت که در قسمت شرقی بغداد واقع بود. در اواخر دوره خلفای عباسی، ناصرالدین الله موقوفات و کتابخانه

جدیدی را وقف آن کرده بود. (اعظمی، ۱۹۲۶م: ۸۱-۸۲؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۶۱: ۳۶۹) و به این ترتیب در آستانه حمله مغول در اوج شکوفایی بود.

موقوفات نظامیه: چنین به نظر می‌رسد که کمی پس از فتح بغداد، فعالیت مجدد مدرسه آغاز شد و تا آخر عصر ایلخانان و حتی پس از آن نیز پابرجا ماند. شهرت و اعتبار این مدرسه، عاملی بود که متولیان امور را به بازسازی فوری آن تشویق می‌کرد. در سال (۶۶۵هـ.ق) شخصی به نام شمس‌الدین محمدبن کیشی به مدرسگی آنجا تعیین شد و حکما و علما در دروس او حاضر می‌شدند. (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۳۵) در سال (۶۷۰هـ.ق) پس از وقوع حریق در آن، عطاملک جوینی از محل درآمد موقوفات، آن را تجدید عمارت کرد و سال بعد خواجه شرف‌الدین هارون بن شمس‌الدین جوینی به ریاست آن منصوب گردید. (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳، جزء اول: ۱۰۵) در سال (۶۸۲هـ.ق) به علت نامعلومی مجددالدین علی بن جعفر از تدریس در آن کنار گذاشته شد و نورالدین ابوالتیان حلبی برای این کار تعیین شد. این گزارش‌ها همه حاکی از ادامه کار مدرسه نظامیه هستند. بالاخره سال‌ها بعد در قرن هشتم هجری، ابن بطوطه از آبادانی، رونق و زیبایی آن سخن گفته‌اند. (ابن بطوطه، ۱۳۴۸، ج ۱: ۲۴۳)

در دوران سلجوقیان و به ویژه در عصر سلطنت آلپ ارسلان و ملکشاه، که خواجه نظام الملک وزارت آنها را بر عهده داشت، موقوفات زیادی به ویژه در زمینه تاسیس مدارس «نظامیه‌ها» وجود داشت، به طوری که جمع درآمد موقوفات این مدارس به شصت هزار دینار می‌رسید. (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۷۷)

نظام‌الملک اولین کسی بود که در نیمه دوم قرن پنجم هجری به واسطه تاسیس مدارس در ممالک اسلامی شهرت یافت. او نخستین مدرسه را در بغداد، سپس در اصفهان، نیشابور، ری و مرو و شهرهای دیگر تاسیس کرد و همه این مدارس، به خصوص مدرسه بغداد به نام وی «مدرسه نظامیه» خوانده می‌شود. (ابن اثیر، ۱۳۸۵هـ.ق/۱۹۶۵م، ج ۱۰: ۳۲۶) مدرسه نظامیه بغداد در سال (۴۵۷هـ.ق) به امر نظام‌الملک و به دست ابوسعیدوفی در کنار دجله بنا شد و نام نظام‌الملک را بر سر در مدرسه نگاشتند و بازارها، کاروانسراها، گرمابه‌ها و ده‌های دور و نزدیک مدرسه خریداری و وقف مدرسه شد که هزینه آن به شصت هزار دینار می‌رسید. این مدرسه یکی از مهمترین مراکز جهان اسلام شد و رجال بزرگی از آن مدرسه بیرون آمدند. (زیدان، ۱۳۷۳، ج ۳: ۶۲۸) و دانشمندانی همانند غزالی و ابن شداد، در آن مدرسه، تدریس می‌کردند. (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۷: ۸۹-۹۰) او در ادامه می‌آورد: «نظام الملک برای کلیه طلاب علوم و غیر آنان مقرری و

انعام تعیین کرده بود و از شام، دیاربکر، عراق عجم، عراق عرب و خراسان تا سمرقند عده کثیری از سفره احسان این وزیر با تدبیر و نیکوکار (ایرانی) بهره‌مند می‌بردند و جمع مقرری‌های او سالیانه ششصد هزار دینار می‌شد...» (همان، ج ۳: ۶۲۷) اقدامات امثال نظام‌الملک بسیار مورد عنایت و تقلید دیگران - خواص و عوام - قرار گرفت و به سرعت در سراسر سرزمین اسلامی مشابه این عمل فراگیر شد، «سایر سلاطین و امرا به نظام الملک اقتدا کرده و در اطراف و اکناف ممالک اسلامی مدارس مجانی دایر کردند...» (همان، ج ۳: ۶۲۸)

توجه به مدارس، نظامیه‌ها و امر تعلیم و تربیت، عقلا را از توجه به اسباب و لوازم دیگر تعلیم و تعلم از جمله تامین مایحتاج مادی و معنوی طلاب و مدرسین نیز باز نداشت. چنانکه در قرن پنجم هجری برای احداث یک مدرسه، با اموالی که وقف آن شده بود، شصت هزار دینار سرمایه‌گذاری شده است و برای طالبان علم، سالیانه ششصد هزار دینار مقرری پرداخت می‌شده است، که همه این‌ها از محل درآمد موقوفات تامین می‌شد. این مطلب از طرفی، نشانگر سهم وقف در پیشبرد علوم و فرهنگ اسلامی است و از سوی دیگر شکوفایی تمدن اسلامی را در آن سده‌ها بیان می‌کند. (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۱۵۸)

مدرسه مستنصریه بغداد

پس از نظامیه، مستنصریه دومین مدرسه مهم بغداد، به شمار می‌رفت. این مدرسه در کنار رود فرات به وجود آمد و بنای آن به فرمان مستنصر بالله، خلیفه عباسی در سال (۶۲۵هـ.ق) آغاز و در سال (۶۳۱هـ.ق) به پایان رسید. (هندوشاه نخجوانی، ۱۳۴۴: ۳۴۷ / ابن جبیر اندلسی، ۱۳۷۴هـ.ق/ ۱۹۵۵م، ص ۲۱۵) این مدرسه از لحاظ موقوفات، زیر بنا و زیبایی ساختمان یکی از برترین مدارس عصر خود بوده است که به تقلید از نظامیه بغداد بنا شده بود و تفاوت این مدرسه با نظامیه در آن بود که مدرسه مستنصریه به چهار مذهب اهل سنت اختصاص داشت در حالی که نظامیه بغداد، تنها به مذهب شافعی اختصاص داشت. (معروف ناجی، ۱۹۷۶م، الجزء الاول: ۳۳)

در این مدرسه، کتابخانه‌ای هم ترتیب داده شده بود که «خزانه الکتب» نامیده می‌شد و در قسمت شرقی مدرسه قرار گرفته بود و اغلب کتاب‌های آن از کتابخانه شخصی خلیفه تکمیل گردید. در برخی از منابع، تعداد کتاب‌های آن را هشتاد هزار جلد کتاب نفیس و باارزش، ذکر کرده‌اند. در مدرسه مستنصریه، علاوه بر استفاده از کاغذ و روغن چراغ و فرش و مسکن، ماهیانه یک دینار پول نقد به طلاب پرداخت می‌شد. در این مدرسه، علاوه بر حمام، آشپزخانه و داروخانه،

بیمارستان نیز برای مداوای دانشجویان ساخته شده بود و غذا به طور رایگان در اختیار آنها قرار می‌گرفت. (ضمیری، ۱۳۷۳: ۱۲۹) به طوری که در سال (۶۳۳هـ.ق) ایوانی در مقابل مدرسه افزوده شد و صفه‌ای در زیر آن ایوان تعبیه گردید که در آن طیب و جماعتی که به علم طب اشتغال داشتند، می‌نشستند. در این صفه همچنین دایره‌ای با صور فلکی بنا شد که اتاق آن درهایی داشت و طلوع و غروب خورشید و اوقات نماز در آن مشخص می‌شد. بنابراین مدرسه مستنصریه از گستردگی فعالیت برخوردار بوده و منحصر به علوم مذهبی نمی‌شده است. این امکان هست که خواجه نصیرالدین طوسی از امکانات آن در رصدخانه مراغه بهره برده باشد. حتی در این مدرسه برای هریک از فرقه‌های اهل سنت (شافعی، حنبلی، مالکی و حنفی) قسمت مخصوص که شامل یک مسجد و مدرسه می‌شد، ایجاد کرده بودند. (معروف ناجی، ۱۹۷۶م، الجزء الاول: ۶۵)

مسلمانان در جریان حمله مغول برای مدتی این مدرسه نیز دچار رکود شد. با وجود این، در دوره ایلخانان از بازگشایی مجدد آن خبر می‌رسد که تا قرن هشتم به کار خود ادامه داده است. سه سال پس از فتح بغداد، در سال (۶۵۹هـ.ق) شخصی به نام شیخ جلال الدین عبدالجبار بن عکبر به مدرسه طایفه حنابله در این مدرسه منصوب شده بود. (خوافی، ۱۳۳۹، ج ۲: ۳۰۲)

موقوفات مستنصریه: نحوه اداره این مدرسه چنان بود که با موقوفات دولتی اداره می‌شد و معمولاً در وقف‌نامه، شرایط تدریس و شرط ورود به آن نوشته می‌شد. یکی از شرایط مندرج در موقوفات مستنصریه آن بود که ۶۲ نفر از پیروان هر مذهب برای تحصیل انتخاب می‌شدند و هر گروه، مدرسی داشته باشد. در دارالحدیث، محدث با چهارنفر (دو تن قاری و دو تن که به علم حدیث اشتغال داشتند) کار می‌کردند. دیگر آنکه، باید در خانه‌ای متصل به مدرسه، ۳۰ کودک یتیم باشند که قرآن را فراگیرند و معلمی باشد که در حفظ قرآن به آنها کمک کند و نیز طیبی حاذق که به تعلیم ۱۰ تن از مسلمانان مشغول باشد و علاوه بر آن، کارکنان و محصلان مدرسه را هم مداوا نماید. مستنصریه در حمله مغولان در سال (۶۵۶هـ.ق) غارت شد اما با گذشت زمان و در عصر ترکان عثمانی، به مرمت آن پرداخته شد و تا حدودی به حالت اولیه خود بازگشت. ترکان، موقوفات مدرسه را از سرگرفتند. در زمان سلیمان پاشا، مدرسه به صورت کاروانسرا درآمد. (ضمیری، ۱۳۷۳: ۱۳۰-۱۳۱) آوازه و اعتبار این مدرسه، خود توجه همگان را به آن معطوف می‌کرد از جمله در سال (۶۶۸هـ.ق) به فرمان عطا ملک جوینی اقداماتی برای تعمیر و بازسازی آن به عمل آمد.

طبق منابع به دست آمده در سال (۶۸۱هـ.ق) در این مدرسه حادثه ای اتفاق افتاده که علت آن معلوم نیست. بنا به این گزارش، عده‌ای از فقهای مدرسه مستنصریه از غرفه (طبقه بالا) به صحن افتادند و مردند. شاید علت آن فروریختن قسمتی از بنا بوده باشد. (معروف ناجی، ۱۹۷۶م، الجزء الاول: ۳۵)

از فعالیت بعدی این مدرسه در عصر ایلخانان هم اخباری در دست است. و صاف در اوایل قرن هشتم و حمدالله مستوفی و ابن بطوطه در اواسط این قرن، خبر از پویایی آن داده‌اند. و صاف، آن را «امّ المدارس آفاق» (بزرگترین مدارس) و مستوفی «خوش‌ترین عمارت بغداد» معرفی می‌کنند. (آیتی، ۱۳۴۶: ۲۱؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۳۵)

نتیجه

آنچه در این پژوهش بازگو شد تنها گوشه‌ای از جلوه و سیمای وقف را به نمایش گذاشت و سعی بر آن داشت که ارتباط تنگاتنگ و دوسویه وقف و تمدن اسلامی را به ویژه در عرصه آموزش و پژوهش در مدارس ایران و عراق به اثبات برساند. وقف بخشی از اموال، چه با انگیزه تحصیل ثواب و چه با رویکرد ترویج علم و دانش و یا با هرانگیزه دیگر، حرکت پرخیر و برکتی است که در طول تاریخ تمدن اسلامی به وفور قابل مشاهده است. این حرکت موجب شد که مدارس اسلامی در تمامی دوره‌ها، تبدیل به مامن واقعی و اصلی دانشمندان بزرگ و پژوهشگران برای انجام تحقیقات علمی شود و تا حد امکان، فراگیری علم، اختصاص به گروه یا فرقه خاصی نداشته باشد و همگان، امکان دسترسی به دانش را برای خود میسر بدانند. و بدین‌گونه زمینه لازم برای پرورش دانشمندان در حوزه‌های مختلف علوم فراهم گردد و باعث رشد و توسعه تمدن اسلامی شود. یکی از منابع مالی تامین بودجه مدارس اسلامی به ویژه در ایران و عراق، اوقاف بوده است. واقفان و موسسان مدارس برای تضمین استمرار فعالیت مدارس و حسن اداره آنها اوقافی تعیین می‌کردند که پس از درگذشت آنان برای اداره مدرسه‌ها مصرف گردد. اکنون وقف نامه‌هایی در دست داریم که در متن آنها تصریح شده است که درآمد این اوقاف باید خرج مدرسه‌ها شود.

علاوه بر ایران در عراق با تاسیس مدارس نظامیه و مستنصریه، نهضتی بزرگ در کشورهای اسلامی برای ایجاد مدارس پیدا شد و بسیاری از بزرگان به فکر ایجاد مدارس (به خصوص مدارس موقوفه) افتادند و از آن میان، بعضی تنها به منظور ثواب اخروی، خدمت مذهبی و فرهنگی داشتند و برخی دیگر از باب تحکیم بنیان قدرت عمومی و اجتماعی خود به این کار اقدام می‌کردند. چنانکه در دوره سلجوقیان، مدرسه، یک نوع موسسه سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رفت.

کتابنامه

۱. آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۴۶). تحریر تاریخ و صاف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۸۵ هـ ق/ ۱۹۶۵ م). الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، بیروت: بی نا.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، (۱۳۴۸). سفرنامه ابن بطوطه (رحله ابن بطوطه)، ترجمه محمد علی موحد، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. ابن جبیر، محمد بن احمد، (۱۳۷۴ هـ ق/ ۱۹۵۵ م). رحله ابن جبیر، تحقیق حسین نصار، مصر: بی نا.
۵. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین، (۱۳۶۴). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، ج ۷، قم: بی نا.
۶. اعظمی، علی ظریف، (۱۹۲۶ م). مختصر تاریخ بغداد، بغداد: مطبعة الفرات.
۷. افشار، ایرج، (۱۳۴۸). یادگارهای یزد، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی.
۸. امام خمینی (ره)، روح الله، (۱۳۶۹). تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۳، قم: دارالعلم.
۹. امامی، سید حسن، (۱۳۷۸). حقوق مدنی، ج ۱، ویرایش ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۰. انتظام الحسینی، رکن الدین محمد، (۱۳۶۵). وقفنامه جامع الخیرات [سیدرکن الدین]، یزد: اداره کل حج و اوقاف.
۱۱. اولیاء الله، محمد بن حسن، (۱۳۴۸). تاریخ رویان، به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. ایمانیه، مجتبی، (بی تا). تاریخ فرهنگ اصفهان، مراکز تعلیم از صدر اسلام تا کنون، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۳. باستانی یاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۸). سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، ویرایش ۲، تهران: صفی عیشاه.
۱۴. جرجی زیدان، (۱۳۷۳). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، (۱۳۳۸). تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۶. حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، (۱۳۶۱). تاریخ گزیده، به سعی و اهتمام ادوارد برون انگلیسی، تهران، دنیای کتاب.
۱۷. -----، (۱۳۶۲). نزهه القلوب، به اهتمام گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب.
۱۸. خوافی، احمد بن محمد، (۱۳۳۹). مجمل فصیحی، به تصحیح و تحشیه محمود فرخ، ج ۲، مشهد: کتابفروشی باستان.
۱۹. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی، (۱۳۳۳). حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، با مقدمه به قلم جلال الدین همایی، ج ۳، تهران: خیام.
۲۰. راوندی، مرتضی، (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، ب ۲: ج ۴، تهران: موسسه انتشارات نگاه.
۲۱. زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد بن شهاب الدین ابی الخیر، (۱۳۵۰). شیرازنامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۲. زمچی اسفزاری، معین الدین محمد، (۱۳۳۸). روضات الجنّات فی اوصاف مدینه هرات، با تصحیح و حواشی و تعلیقات محمد کاظم امام، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. سلطان زاده، حسین، (۱۳۶۴). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، تهران: آگاه.
۲۴. -----، (۱۳۷۸). مقاله «مسجد مدرسه‌های تهران»، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۲۸، زمستان.
۲۵. سلیمی فر، مصطفی، (۱۳۷۰). نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌ها.
۲۶. ضمیری، محمد علی، (۱۳۷۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز: راهگشا.
۲۷. عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام، (۱۳۳۷). آثارالوزراء، به تصحیح و تعلیق: میرجلال‌الدین - حسینی ارموی «محدث»، تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی، (۱۳۵۷). تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۲۹. کسائی، نورالله، (۱۳۵۸). مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: دانشگاه تهران.
۳۰. متز، آدام، (۱۳۶۲). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ج ۱، تهران: امیرکبیر.

۳۱. معروف، ناجی، (۱۹۷۶م). تاریخ علماء المستنصریه، طبحق منقح و مزیدق و مصحقوق، الجزء- الاول، قاهره: دارالشعب.
۳۲. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی (متوسط)، ج ۴، تهران: امیرکبیر.
۳۳. مولف ناشناس، به کوشش محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، (۱۳۵۵). تاریخ شاهی قراختایان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۴. هندوشاه نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی، (۱۳۴۴). تجارب السلف، تصحیح عباس اقبال، چاپ دوم، تهران: انتشارات طهوری.
۳۵. هنرفر، لطف‌الله، (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان، آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی در استان اصفهان، اصفهان: کتابفروشی ثقفی.